



نوبل

نام :

نام خانوادگی :

پایه تحصیلی : کلاس :

شماره صندلی :

مدت زمان امتحان :

تاریخ امتحان:

نام امتحان :

بدان که هر چه در وجود است همه صنعِ خدای تعالی است. آنچه میان آسمان و زمین است، چون میخ و باران و تگرگ و رعد و برق و قوسِ قُزَح و علاماتی که در هوا پدید آید و این همه آیاتِ حق تعالی است که تو را فرموده است تا در آن نظر کنی. پس اندر این آیات، تفکر کن.

آدمی باید که بسیار نگوید و سخن دیگری به سخن خود قطع نکند. در محاوراتی که به حضور او میان دو کس رود، خوض ننماید و اگر از او پوشیده دارند، استراقِ سمع نکند و تا او را با خود در آن مشارکت ندهند، مداخلت نکند.

به هر روی، ایران از آن همه ایرانیان است. همه اینان که در خاکش بزرگ شده اند و از آبش نوشیده اند و در هوایش پرورده اند، با آرامشِ آن آرامیده اند و در آشوبش بی قراری کرده اند. در صحنه های رزمش دلاورانه پیکار کرده اند و در جشن هایش صف های میلیونی بسته اند و دشمنان را انگشت به دهان گذاشته اند.

از گوشه صومعه آواز درآمد که ای مرد، خود را رنجه مدار که او چند سال است تا به ما دل سپرده است. ابلیس، زهره ندارد که گرد او گردد. دزد را کی زهره آن بود که گرد چادر او گردد؟ تو خود را مرنجان ای طرّار! که اگر یک دوست خفته است، دوست دیگر بیدار است.

بازی او، مطالعه و تحقیق، فریادهای کودکانه اش، بحث و مناظره با دیگر شاگردان بود. چهار دیواری محضر استاد حاسب جایگاهی بود که طنین پرسش های او هر روز در آن می پیچید و به گوش استاد و شاگردانش می رسید و همه را شگفت زده می کرد. هیچ چیز مانند درس و بحث به روح نا آرام او آرامش نمی داد.

ای مفضل، درباره آن صفتی که از میان سایر حیوانات ویژه انسان است، تفکر کن که آن "حیا" است. بسیاری از امور را مردم برای حیا به عمل می آورند؛ زیرا برخی از مردم اگر از یکدیگر شرم نمی کردند، حق پدر و مادر را نیز به جای نمی آوردند و صله رحیم و احسان به خویشان نمی کردند و امانت های مردم را پس نمی دادند و ترک معاصی نمی کردند.